

Semantics of Kinship Vocabulary in the Holy Quran

Shahriyar Niazi*

Tahere Sadat Shojaei**

The semantic study of the Quran's words which have been intelligently and wisely embedded in the ayat and surahs, facilitates gaining access to a cohesive network of deep meanings and concepts in this divine book. Among the holy Quran's words, some seem to be synonymous, while with a careful semantic examination, their subtle differences become evident. This research attempts to account for this semantic precision, trying to investigate the difference between 'al'umu' and 'alwalida' and how they are used in the Quranic phrases and ayat with a survey into the Qur'an and based on structural semantics. The findings of the research show that these two words are characterized by 'temporality'; the word 'alwalida' is on the axis of time and refers to a specific period of time in 'al'ulmu' stages of life. This feature can be seen and studied in most of kinship terms.

Keywords: the Holy Quran, al'ummu, alwalida, structural semantics, synonymy, semantic component, temporality, miracle.

* Associate Professor of Arabic Language and Literature in University of Tehran, Iran.
Shniazi@ut.ac.ir

** Ph.D. student of Arabic Language and Literature in University of Tehran, Iran.
(Responsible Author) Taheresadatshojaei@yahoo.com

معناشناسی واژگان نظام خویشاوندی در قرآن کریم

شهریار نیازی*

ظاهره سادات شجاعی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۳۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

مطالعه معناشناختی مفردات قرآن کریم که به نحو هوشمندانه و حکیمانه‌ای در آیات و سور جای گرفته‌اند، دستیابی به شبکه‌ای منسجم از معانی و مفاهیم عمیق این کتاب آسمانی را تسهیل می‌نماید. در بین مفردات قرآن مجید، تعدادی از واژگان در ظاهر مترادف و هم‌معنا می‌باشند، حال آنکه با تدقیق معنایی واژگان، تفاوت‌های ظریف بین کلمات ظاهر می‌گردند. هدف این پژوهش، تبیین تفاوت‌های معنایی دو واژه «الأم» و «الوالدة» می‌باشد. این امر پس از بررسی معجمی و تفسیری کلمه‌ها، با روش مطالعه روابط مفهومی واژه و تجزیه آن به مؤلفه‌های معنایی صورت گرفته است. این تحقیق سعی دارد تا با تحقیق اکتشافی در قرآن و در چارچوب معناشناسی ساختارگرا، تفاوت این دو واژه و چگونگی کاربرد آن‌ها را به لحاظ معنایی در عبارات و آیات قرآنی بررسی کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های معنی‌شناسی می‌تواند دقت معنایی را در واژگان بالا ببرد، چنانکه از مقایسه حضور این دو واژه در قرآن کریم ملاحظه می‌شود که هر دو کلمه در ۶ مورد از ۸ مؤلفه معنایی با هم اشتراک، و در ۲ مورد تفاوت دارند. بررسی بیشتر این مقاله به این نکته انجامید که دو واژه مورد بحث دارای خصوصیت «زمان‌مندی» می‌باشند؛ به این معنی که کلمه «الوالدة» به دوره زمانی خاصی از مراحل زندگی «الأم» اطلاق می‌گردد. این ویژگی را در غالب واژه‌های مجموعه نظام خویشاوندی نیز می‌توان ملاحظه کرد.

واژگان کلیدی

قرآن، الأم، الوالدة، معناشناسی ساختارگرا، ترادف، مؤلفه معنایی، زمان‌مندی، اعجاز.

طرح مسئله

در بین مفردات قرآن، واژگانی وجود دارند که از نظر ظاهری با یکدیگر مترادف به نظر می‌رسند. این امر موجب این سؤال می‌شود که آیا این کلمات کاملاً هم‌معنی و مترادف هستند یا اشتراک معنایی دارند؟ در این میان کتب لغت، برنامه‌ها و نرم‌افزارهای معجمی نیز در ارائه معنی واژگان، آن‌ها را جایگزین یکدیگر معرفی کرده و غالباً به تفاوت‌های آنان اشاره نمی‌کنند. روش‌های تدقیق معنایی مانند تجزیه واژه به مؤلفه‌های معنایی در چارچوب معناشناسی ساختگرا، می‌تواند تداخل معنایی این واژگان و تفاوت‌های آن‌ها را ظاهر کند که در این مقاله از همین روش استفاده شده است.

تاکنون کلمات زیادی از قرآن کریم در حیطه معناشناسی بررسی شده‌اند. نگاهی به تاریخ مطالعات قرآنی، ارائه‌کننده روش‌هایی متفاوت و در حد خود کارآمد، در مسیر تبیین صحیح موضوعات مطرح شده در قرآن و از جمله فهم واژگانی آن است. پی‌جویی برای فهم معنای مورد استفاده از یک واژه در میان اعراب اصیل به منظور دستیابی به معنای دقیق آن در قرآن، به‌کارگیری روش‌های تفسیر قرآن با قرآن و آیات و حتی توجه به فضای نزول آیات و نیز دیدگاه‌های کلامی، فلسفی، فقهی و عرفانی به این کتاب شریف، نمونه‌هایی از تلاش‌های فکری بشر در ارتباط با این کتاب عزیز است (حسینی و مطیع، ۱۳۹۲، ص ۸۴-۸۵).

اما مطالعه کلماتی که در ظاهر مترادفند و بررسی تفاوت‌ها و تداخل‌های معنایی در آن‌ها، موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. به‌کارگیری روش‌های جدید علمی و استفاده از مطالعات میان‌رشته‌ای و ارتباط با دانش‌های دیگری مانند زبان‌شناسی که دقت بررسی‌ها را افزایش داده و نتایج را به واقعیت نزدیک می‌سازد، اخیراً مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. وجه نوآوری این پژوهش نیز در همین زمینه می‌باشد. از آنجا که دو واژه «الأم» و «الوالدة» در یک نظام خویشاوندی مشترک قرار می‌گیرند و در مسائل فقهی و حقوقی جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارند، و از طرفی نیز کاربرد کلمات در قرآن با توجه به حکیم بودن خالق کتاب و هوشمند بودن متن آن، کاملاً حساب شده و دقیق می‌باشد؛ تدقیق معنایی در این دو واژه ضروری به نظر می‌آید. در این پژوهش جهت پاسخ به این سؤالات اقدام شده است:

۱- چگونه دانش معناشناسی پرده از تفاوت‌های دقیق و ظریف واژگانی که به ظاهر مترادف هستند بر می‌دارد؟

۲- تجزیه واژه به مؤلفه‌های معنایی چه تأثیری در تبیین مفاهیم نهفته در واژه دارد؟

بدین منظور بررسی موردی دو واژه مذکور در قرآن کریم در چارچوب معناشناسی ساختارگرا و با رویکرد معناشناسی هم‌زمانی، با هدف تعیین دقیق جایگاه هر یک از این دو واژه و نحوه کاربرد آن‌ها در قرآن انجام شده است.

۱. آشنایی با روش معناشناسی ساختارگرا

معناشناسی واژگانی ساختارگرا^۱ با الهام از برداشت ساختارگرا نسبت به زبان و تحت تأثیر آرای فردینان دو سوسور^۲ و از سال ۱۹۳۰م به بعد، مرحله تازه‌ای را از مطالعه معنی واژه پیش‌رو قرار می‌دهد که تا سال‌های دهه ۱۹۶۰م اعتبار کامل خود را می‌نماید. همین نگرش ساختارگرا در نوع اندیشیدن در باب معنی به حیات خود ادامه می‌دهد و پایه‌های اصلی بسیاری از مطالعاتی را تشکیل می‌دهد که امروزه رهیافت‌های عمده مطالعه معنی به حساب می‌آیند و گونه‌های مختلفی از معنی‌شناسی ساختارگرا تلقی می‌شوند (گیررتس، ۱۳۹۳ش، صص ۱۲۱-۱۲۳).

سه نگرش عمده در حوزه معنی‌شناسی ساختارگرا وجود دارد که عبارتند از: نظریه حوزه واژگانی، تحلیل مؤلفه‌ای و معنی‌شناسی رابطه‌ای (گیررتس، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۱). در این نظریه، روابط بین واژه‌ها، در یک ساختار منظم داخل نظام زبانی اهمیت می‌یابند. به عبارت دیگر نسبت میان کلمات در یک ساختار و متن مورد توجه این مکتب معناشناسی می‌باشد. در این پژوهش از بین این روابط، نسبت‌های شمول معنایی، ترادف، تقابل معنایی و روابط هم‌نشینی در کنار بررسی مؤلفه‌های معنایی واژه، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

منظور از «تحلیل مؤلفه‌ای»^۳ نیز تحلیل مفهوم یک واژه بر حسب اجزای تشکیل دهنده‌اش است (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹). این نگرش، یکی از رویکردهای بارزی است که معنی‌شناسی ساختارگرا را از سایر انواع مطالعه معنی متمایز می‌سازد. این رویکرد را می‌توان نتیجه منطقی باور به نظریه حوزه واژگانی دانست. وقتی ما واحدهای تشکیل دهنده یک حوزه واژگانی را معلوم کرده‌ایم رابطه درونی واحدهای تشکیل دهنده این حوزه را باید به شکل دقیق‌تری مشخص کنیم و باید معلوم کرد که هر واحد بر حسب چه مشخصه یا مختصاتی در تقابل با سایر واحدهای این حوزه قرار می‌گیرد.

تحلیل مؤلفه‌ای روشی است برای تعیین این تقابل‌ها که با الهام از روش مورد استفاده در واج‌شناسی ساختارگرا شکل گرفته است. به باور معنی‌شناسان ساختارگرا درست به همان ترتیبی

^۱ Structural Semantics

^۲ Ferdinand de Saussure

^۳ Componential Analysis

که واج‌های یک زبان را می‌توان بر حسب شیوه تولید، جایگاه تولید و جزء آن از یکدیگر متمایز ساخت و مدعی شد که مثلاً فلان واج همخوانی، به دلیل انسدادی بودن، در تقابل با فلان واج همخوانی سایشی قرار می‌گیرد، در مورد واژه‌ها نیز می‌توان مؤلفه‌هایی را در نظر گرفت که واحدهای یک حوزه واژگانی را در تقابل با یکدیگر نمایش دهند. در مورد واحدهای واژگانی تشکیل دهنده حوزه خویشاوندی، این مؤلفه‌ها را می‌توان جنسیت، نسبت مادری، نسبت پدری و نسل تلقی کرد (گیرتس، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۲).

در این روش ذکر کردن روابط ساختاری موجود میان واژگان زبان مستلزم تحلیل مؤلفه‌ای هر کلمه است (کریمی دوستان و آزادفر، ۱۳۹۲ش، صص ۱۵۰-۱۵۱). لازم به ذکر است که به منظور ارتقاء سطح دقت معنایی، در تحلیل مؤلفه‌ای این دو واژه، غیر از موارد فوق‌الذکر، سه مؤلفه‌ی دیگر نیز اضافه شده است. این مؤلفه‌ها بر اساس الگوی مطالعات زنان می‌باشد که بین دو حیطة زیستی و حیطة اجتماعی جایگاه زن تفکیک قائل است.

۲. آشنایی با منابع تحقیق

در بررسی لغوی و اصطلاحی واژگان نظام خویشاوندی در قرآن کریم، علاوه بر منابع تخصصی مانند: «العین»، «فقه اللغة»، «الفروق فی اللغة»، «مفردات ألفاظ القرآن الکریم»، «معجم الفروق الدلالية فی القرآن الکریم» و «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تمام کتب لغت موجود در نرم‌افزار «قاموس النور» که بالغ بر ۴۰ عنوان کتاب لغت است، بررسی شد. تفاسیر در نظام معناشناسی جایگاه خاصی ندارند، اما توجه به نکات تفسیری واژه به‌مثابه توجه به مفهوم اصطلاحی و پیشینه تاریخی کلمه است و بررسی مطالبی که مفسران در مورد واژگان مرفوم نموده‌اند به مطالعه روند تحول معنایی کلمات کمک می‌کند. در بررسی نکات تفسیری مربوط به هر دو واژه از تفاسیر ذیل استفاده شده است: تفسیر «مقاتل بن سلیمان» (م ۱۵۰هـ.ق)، «التبیان فی تفسیر القرآن» اثر شیخ طوسی (م ۴۶۰هـ.ق) و «مدارک التنزیل و حقائق التأویل» تألیف عبدالله بن أحمد نسفی (م ۷۱۰هـ.ق) به‌عنوان دو تفسیر از منابع قدیمی شیعه و اهل تسنن. لازم به ذکر است که کتاب «التبیان فی تفسیر القرآن» اولین تفسیر کامل ادبی شیعی از قرآن کریم است که مفسر آن، علاوه بر نقل روایات مأثور، با تکیه بر عقل و توجه به علوم مختلف به ارزیابی آرای تفسیری گذشتگان و معاصران خود پرداخته است.

۳. بررسی واژه «الأمّ» در قرآن کریم

۳-۱. مشتقات و بسامد واژه

این واژه و مشتقات آن به تعداد ۴۱ بار در قرآن کریم تکرار شده است. در جدول زیر ضمن تنظیم اطلاعات مربوط به واژه و انواع مشتقات آن در قرآن کریم، بسامد حضور آن‌ها نیز کاملاً تفکیک و درج شده است. هریک از واژگان نیز بر مبنای سه مقسم «مؤنث نشان دار» یا مادر زیستی»، «جایگاه اجتماعی مادر» و «مؤنث بی‌نشان^۵ یا واژه فراجنسیتی» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این سه گزینه بر اساس الگوی مطالعات زنان است که بین جایگاه زن از دو منظر حیطة زیستی و حیطة اجتماعی تفکیک ایجاد می‌کند. این دو حیطة در تعیین تعریف قرآنی دقیق برای هر واژه نقش مهمی دارند. مقسم سوم نیز در مورد کلماتی است که از معنای اصلی خود خارج شده و به مفهوم عام‌تری تعمیم یافته‌اند.

لازم به ذکر است که این نحوه تقسیم در مورد واژگان جنسیت‌پذیر، به‌خصوص کلماتی که مربوط به نظام خویشاوندی است، کاربرد دارد. نتیجه این تقسیم‌بندی این خواهد بود که کاربرد زیستی واژه یعنی تخصیص آن به حریم خصوصی خانواده و نظام خویشاوندی، و کاربرد اجتماعی آن که مربوط به خارج از حریم خانواده بوده و به‌طور استعاره‌ای به‌کار رفته است، و یا فراجنسیتی بودن آن در قرآن آشکار می‌شود.

مشتقات واژه	آدرس	متن آیه	مؤنث نشان‌دار (مادر زیستی)	جایگاه اجتماعی مادر	مؤنث بی‌نشان (واژه فراجنسیتی)
أمّه (۱۰)	نساء: ۱۱ (۲بار)	يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْإُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الشُّهُبُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتُهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ الشُّهُبُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينِ آبَائِكُمْ وَأَبْنَاؤِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا	+	+	-
	مائده: ۱۷	لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ	-	+	-

⁵ Marked

⁵ Un Marked

			مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ			
			مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ	مائدة: ٧٥	-	+
			وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ	مؤمنون: ٥٠	-	+
			فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَرَ غِيْبَتَهَا وَلَا تَحْزَنَ وَنَلْعَلَّهُمْ أَنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ	قصص: ١٣	-	+
			وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِضَالُهُ فِي عَافِيَةٍ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ	لقمان: ١٤	-	+
			وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِإِحْسَانٍ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِضَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِلَيَّ مِنَ الْمُسْلِمِينَ	أحقاف: ١٥	-	+
			يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (٣٤) وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ	عبس: ٣٥	-	+
			فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ	القارعة: ٩	+	-
			وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ آأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ	مائدة: ١١٦	-	+
			وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكُ الْفَرَى حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يُتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْفَرَى إِلَّا وَ أَهْلُهَا ظَالِمُونَ	قصص: ٥٩	+	-
			وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِسْمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأُلْوَابَ وَأَحَدَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُسْمِئْتَنِي بِالْأَعْدَاءِ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ	أعراف: ١٥٠	-	+
			قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَتُرَفِّئُ قَوْلِي	طه: ٩٤	-	+

ابن أم
(٢)

			یا أخت هارون ما كان أبوك امرأ سوء وما كانت أمك بغياً	مریم: ۲۸	أمک (۳)
-	-	+	إذ أوحینا إلی أبیک ما یوحی	طه: ۳۸	
-	+	+	إذ تمسّی أختک فتقول هل أدلکم علی من ینکله فرجعناک إلی أبیک کئی نقر عیبها ولا تحزن وقتلت نفساً فنحنیناک من الغم وقتناک فتونا فلینت سینین فی أهل مدین ثم جئت علی قدر یا موسی	طه: ۴۰	
-	-	+	و أوحینا إلی أم موسی أن أرضعیه فإذا خفت علیه فألقیه فی الیم ولا تحافی ولا تحزنی إنا زادوه إلیک و جعلوه من المرسلین	القصاص: ۷	أم موسی (۲)
-	-	+	وأصبح فؤاد أم موسی فارغاً إن کادت لتبدي به لولا أن ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین	قصص: ۱۰	
-	+	-	حرمت علیکم أمهاتکم وبناتکم وأخواتکم وعماتکم وخالاتکم وبنات الأخ وبنات الأخت وأمهاتکم اللاتی أرضعنکم وأخواتکم من الرضاغة وأمهات نسائکم وزنایبکم اللاتی فی حجبکم من نسائکم اللاتی دخلنکم بهن فإن لم تکنوا دخلنکم بهن فلا جناح علیکم وخالات أبنائکم الذین من أصلابکم وأن جمعو بین الأختین إلی ما قد سلف إن الله کان عفوراً رحیماً	نساء: ۲۳ (۲بار)	أمهاتکم (۷)
-	-	+	والله أخرجکم من بطون أمهاتکم لا تعلمون شیئاً وجعل لکم السمع والأبصار والأفئدة لعلکم تشکرون	نحل: ۷۸	
-	+	-	لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریط حرج ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت آبائکم أو بیوت أمهاتکم أو بیوت إخوانکم أو بیوت أخواتکم أو بیوت أعمامکم أو بیوت عماتکم أو بیوت أخوالکم أو بیوت خالاتکم أو ما ملککم مفاتیحه أو صدیقکم لیس علیکم جناح أن تأکلوا جمیعاً أو أشتاتاً فإذا دخلتم بیوتاً فسلّموا علی أنفسکم تحیه من عند الله مبارکة طیبة كذلك یمین الله لکم الآیات لعلکم تعقلون	نور: ۶۱	
-	+	-	ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه وما جعل أزواجکم اللاتی ینظرون منهن أمهاتکم وما جعل أدعیاتکم أبناءکم ذلکم قولکم بأفواهکم والله یعول الحق وهو یهدی السبیل	أحزاب: ۴	

			خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خُلُقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقِ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ	زمر: ۶					
			الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَايْرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعٌ الْمَغْفِرَةَ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى	نجم: ۳۲					
			الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَانِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا	احزاب: ۶					امهاتهم (۳)
			الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ	مجادله: ۲ (۲ بار)					
			حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بَيْنَ يَدَيْكُمْ فَلَمَّ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بَيْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا	نساء: ۲۳					امهات نساءكم
			وَأَنْزَلَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٍ	الزخرف: ۴					
			هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرَى مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَكِّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ	آل عمران: ۷					أم الكتاب (۳)
			يَحْمِلُوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ	رعد: ۳۹					
			وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ	أنعام: ۹۲					أم القرى (۲)

			و كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْمَجْمَعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ	شوری: ۷	
			الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْأَنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	أعراف: ۱۵۷	الأمي (۲)
			قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ	أعراف: ۱۵۸	
			وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانٍ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ	بقره: ۷۸	أميون (۱)
			فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَ مَنْ اتَّبَعَنِي وَ قُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ	آل عمران: ۲۰	الأميين (۳)
			وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ	آل عمران: ۷۵	
			هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ	جمعه: ۲	

۳-۲. مفهوم لغوی واژه «الأم»

واژه "أم" در کتاب «العین» یک بار از ریشه "أمم" ذکر شده و نویسنده اشاره کرده است که عرب هر چیزی را که دارای اجزائی باشد که به آن چیز پیوسته بوده و به دنبال آن بیاید، "أم" می‌نامد، مانند أم الرأس که به مغز سر می‌گویند. از این ماده چند مشتق نیز ذکر نموده است، مانند "الأمه" به معنی زخم و شکستگی سر، و کلمه "الأمیم" به معنی "المأموم" و "الأمیمة" به معنی سنگی که به وسیله آن، سر، زخم و شکسته شود. همچنین اصطلاح "لا أمّ لک" را اشاره نموده

که در موضع مدح است، ولی برای ذم به کار می‌رود. در مورد واژه "أم القرى" نیز بعد از اشاره به شهر مکه بیان نموده است که هر شهری به نسبت روستاهای اطرافش، "أم" به شمار می‌رود. فراهیدی منظور از "أم القرآن" را هر آیه از آیات محکمت که درباره شرائع و فرائض و احکام است، ذکر کرده و سپس با طرح حدیث «إِنَّ أُمَّ الْكِتَابِ هِيَ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ» از کتاب التهذیب (طوسی، ج ۱۵، ص ۶۳۲)، دلیل نام‌گذاری سوره توحید را به فاتحه کتاب، مقدم بودن آن بر دیگر سوره‌ها در هر نماز بیان نموده است. همچنین مقصود از أم الكتاب را در آیه ﴿وَإِنَّ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدِينًا﴾ (زخرف: ۴)، اللوح المحفوظ ذکر کرده است. هم‌چنین از این ماده، واژه "أمه" را نیز معرفی کرده و با ذکر شواهدی از آیات قرآن، احادیث و اشعار، معنی آن را دین و کسانی که بر یک دین واحد و مشترک هستند، و یا قوم منسوب به هر پیامبر بیان نموده است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۸، صص ۴۲۶-۴۲۸).

فراهیدی سپس به چند ساختار فعلی از این ماده در اشکال مجرد و مزید (باب‌های افتعال: ائتمام، و تفاعل: تیمم) اشاره نموده و به دنبال آن مشتقات اسمی دیگری را هم معرفی کرده است، مانند "الإمه" به معنی نعمت، و "الأمم" به معنی چیز پست و بی‌ارزش، و همچنین به معنای شیء نزدیک (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۸، صص ۴۲۸-۴۳۰). مؤلف به کلمات دیگری مثل "الأمام" و "الإمام" نیز اشاره کرده و در پایان، این مطلب را اضافه نموده که "الأم" به معنای قصد است، چه در ساختار اسمی و چه در ساختار فعلی (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۳۱).

صاحب کتاب العین واژه "أم" را ذیل ماده "امه" به معنی نسیان نیز ذکر کرده و واژه "الأم" را به معنی "الوالده" و جمع آن را "الأمهات" بیان نموده است. سپس بعد از ذکر وجه فعلی «تأمم فلان أمًا» و ترجمه آن به معنی «اتخذ لنفسه أمًا»، در مورد اصل کلمه "الأم" چنین آورده است که تفسیر این واژه در تمام معانی، "امه" می‌باشد زیرا این کلمه دو حرف دارد پس حرف «هاء» در آن از حروف اصلی است، اما عرب هرگاه در تشخیص کلمه به اشتباه و لبس نمی‌افتاده، حرف هاء را حذف کرده است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۳۳). تصغیر أم، "أمیمة" است و صحیح آن در واقع "أمیهة" است که به اصل تأسیس کلمه بازمی‌گردد و کسانی که "أمیمة" را تصغیر می‌دانند، آن را به صورت لفظی تصغیر کرده‌اند و همان کسانی هستند که جمع این واژه را "أمات" می‌گویند. سپس با ذکر بیت شعری به هردو جمع این واژه اشاره کرده است:

إذا الأمهات قبحن الوجوه فرجت الظلام بأماتیکا

نکته جالب در کتاب العین، بیت شعری است دال بر این مضمون که گاهی برخی عرب‌ها،

الف کلمه "أم" را حذف می‌کنند:

أيتها العائِب عند م زید أنت تفدي من أراك تعيب

کتاب مفردات الفاظ قرآن، واژه "أم" را در مقابل "أب" معرفی کرده و معنای آن را هم به معنی مادری که فرزند به دنیا آورده و هم به معنی مادر این مادر یعنی مادر بزرگ یا مادر با یک یا چند واسطه ذکر نموده و به همین دلیل است که به حضرت "حواء"، "أمنّا" گفته می‌شود، هر چند که بین ما و ایشان چندین واسطه وجود دارد. راغب در ادامه بیان می‌دارد که به هر چیزی که اصل و ریشه وجود یا تربیت یا اصلاح و یا سرمنشأ چیز دیگری باشد، "أم" گفته می‌شود. سپس به آیه چهار سوره زخرف اشاره می‌کند که "أمّ الكتاب" به معنی اللوح المحفوظ است؛ چراکه همه علوم به آن منسوب است و از آن زاده می‌شود و به شهر مکه نیز به دلیل روایت «أَنَّ الدُّنْيَا دُحِيتٌ مِنْ تَحْتِهَا»، "أمّ القری" می‌گویند.

وی در ادامه به چند ساختار ترکیبی از واژه "أم" و معنای آن اشاره می‌کند، مانند: «أمّ النجوم» به معنی کهکشان، «أمّ الأضیاف» و «أبوالأضیاف» به معنی شخصی که زیاد مهمان می‌پذیرد که کنیه حضرت ابراهیم(ع) است، «أمّ المساکین» که کنیه حضرت زینب بنت خزیمه، أمّ المؤمنین به دلیل کثرت اعمال نیک و بخشندگی‌شان بوده است، و مانند «أمّ الجیش» که به رئیس گفته می‌شود. به سوره فاتحه کتاب، «أمّ الكتاب» می‌گویند؛ به دلیل آنکه شروع و ابتدای قرآن با آن است و واژه أم در آیه ﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾ (القارعه: ۹) مانند آیه ﴿مَأْوَاكُمُ النَّارُ﴾ (الحديد: ۱۵)، به معنی مثنوی و جایگاه است. مؤلف کتاب مفردات هم چنین به نام‌گذاری همسران پیامبر(ص) از طرف خدا به «أمّهات المؤمنین» اشاره می‌کند که در آیه ﴿وَ أَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ (الأحزاب: ۶)، ذکر شده است.

هم چنین در تفسیر آیه ﴿يَا بَنُ أُمِّ﴾ (طه: ۹۴)، این نکته را بیان می‌کند که عدم دلیل ذکر واژه "أب" این است که أب به معنای عمو و معلم هم به کار می‌رود و واژه "أبوان" هم برای پدر و مادر به کار می‌رود و هم برای عمو و پدر و هم برای جدّ و پدر (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵). راغب در ادامه به اصل و ماده واژه "أم" یعنی "أمّهة" اشاره می‌کند و دلیلش را جمع آن یعنی "أمّهات" و تصغیر آن یعنی "أمیهة" ذکر می‌نماید. البته قول دیگری در اصل کلمه را نیز بیان می‌کند که ریشه آن را به دلیل دو واژه جمع "أمّات" و مصغر "أمیمه"، مضاعف می‌داند و در ادامه به این مطلب اشاره دارد که "أمّات" برای بهائم و چهارپایان و مانند آن به کار می‌رود و "أمّهات" برای انسان(راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶).

وی سپس به واژگانی مانند أمّه و أمم ذیل این ماده می‌پردازد و در مورد واژه "الأممی" این‌طور توضیح می‌دهد که کسی که نمی‌نویسد و از روی کتاب نمی‌خواند، گفته می‌شود و آیه

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ﴾ (الجمعة: ۲)، بر این امر شاهد است و از قطرب نقل کرده است که "الأمیة" به معنی الغفلة و الجهالة است و «الأمی» منسوب به آن و به معنی کمی و قلت معرفت است و در مورد آیه ﴿الَّتِي الْأُمِّيُّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ (الأعراف: ۱۵۷) گفته شده است که واژه «الأمی» منسوب به «الأمه» است که عادت و رسم بر نوشتن نداشتند، مثل واژه "عامی" که منسوب به «العامه» است.

هم چنین نظر دیگری نیز قائل بر این مطلب است که نام گذاری پیامبر اکرم (ص) به "أمی" به سبب این بوده است که ایشان نمی نوشتند و از روی کتابی نمی خواندند و این امر، فضیلت برایشان به حساب می آید؛ چرا که همه چیز را به حافظه می سپردند و به ضمان خدا اعتماد داشتند. شاهد این نظر را هم این آیه مطرح کرده است: ﴿سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى﴾ (الأعلى: ۶)، و در این مورد نظر دیگری هم وجود دارد که منسوب بودن به "أم القری" را مطرح نموده است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷). راغب اصفهانی در انتهای مطالب مربوط به ماده "أم"، به مشتقات دیگری اشاره کرده است، مانند: الإمام، أئمة، الأم و آمین در آیه ﴿وَ لَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ﴾ (المائدة: ۲) به معنی القصد المستقیم و التوجه نحو مقصود، و همچنین فعل «أمه» (به معنی صدمه و آسیب به مغزش خورد) و حروفی مانند «أم» و «أما» (راغب، ۱۴۱۲ق، صص ۸۷-۸۸).

در کتاب «معجم الفروق الدلالية فی القرآن الکریم» در بحث مربوط به الأم و الوالدة آمده است که به الأم بعد از ولادت فرزندش، الوالدة گفته می شود و به زن باردار بر سبیل مجاز و به اعتبار «ما سیکون»، والدة گفته می شود. همچنین به زن شیرده نیز حتی اگر مادر طفل شیرخوارش هم نباشد به اعتبار آیه ﴿وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ﴾ (النساء: ۲۳)، أم گفته می شود (محمد داود، ۲۰۰۸م، صص ۷۸-۷۹).

علامه مصطفوی در مورد این واژه در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» گفته است که معنای اصلی ماده، قصد مخصوص و با توجه است و این مفهوم در تمام مشتقات آن محفوظ است. وی در مورد کلمه «أم» چنین توضیح می دهد که بعید نیست این واژه بر وزن «صلب» از اوزان صفت مشبیه و به معنی آنچه مورد قصد و توجه قرار می گیرد باشد؛ چون صفت مشبیه از فعل لازم اخذ می شود و ریشه فعلی آن نیز «أمم» است. سپس به واژه «أم» بر اساس اصل و مبدأ و مفهوم رجوع اطلاق شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۴۹).

در دو کتاب «الفروق فی اللغة» و «فقه اللغة» مطلبی در مورد بررسی واژه «أم» ذکر نشده است.

۳-۳. مفهوم اصطلاحی واژه «الأمّ»

در مورد معنای اصلی واژه «أمّ» توضیحی در تفاسیر مدنظر درج نشده است. اما در مورد حالت مؤنث بی‌نشان این واژه در آیات، پاره‌ای توضیحات در برخی تفاسیر به چشم می‌خورد. در تفسیر تبیان ذیل آیه ﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾ (القارعه: ۹) آمده است که یعنی «مأواه هاویة» و دلیل ذکر «أمّ» به جای «مأوا» این است که جهنم مأوی و پناهگاه کسی است که میزان اعمالش سبک و بی‌قدر است، چنانکه مادر، مأوی و پناهگاه کودک است (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۰۰-۴۰۱). مقاتل بن سلیمان نیز در توضیح آیه فوق، آن را «أصله هاویة» ذکر کرده و عبارت «أم القری» در آیه ۹۲ سوره انعام را مثالی برای أم به معنای اصل بیان نموده و مقصود از «أم القری» را «أصل القری» یعنی شهر مکه در نظر گرفته است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۸۱۲). وی همچنین معنای واژه «أمّها» در آیه ۵۹ سوره قصص را بزرگ‌ترین شهر آن چند شهر که مکه است بیان نموده است (ج ۳، ص ۳۵۱).

در تفسیر «مدارک التنزیل» هم «أمّها» را اصل و معظم معنا کرده است (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۴۹). اما تبیان در مورد معنی واژه دو قول را نقل کرده است: یک قول که به معنای أم القری و مکه است و دیگری به معنای بزرگ‌ترین شهر در کل دنیا (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۶۶). در دو آیه، از مجموع کل آیات مربوط به واژه «أمّ»، عبارت «ابن أمّ» وجود دارد که خطابی بین حضرت موسی (ع) و برادرش هارون می‌باشد. نسفی ذیل آیه ۹۴ سوره طه می‌گوید که هارون برادر تنی حضرت موسی (ع) است، اما اینکه فقط «ابن أمّ» ذکر شده به دلیل استعطاف و ترقیق است (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۹۸) و شیخ طوسی هم دلیل آن را ذیل آیه ۱۵۰ سوره اعراف، «الاستعطاف بالرحم» ذکر نموده است (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۴۹).

درباره عبارت «أمّ الکتاب» در تفسیر تبیان و مقاتل بن سلیمان آمده که منظور از آن اللوح الملحفوظ است (۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۷۸۹) و أمّ الکتاب یعنی اصل آن، چراکه اصل هر چیزی أمّ آن نامیده می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۸۰-۱۸۱). عبارت «أمّ القری» نیز از نظر مفسران به اصل القری و مکه تعبیر شده است. در مدارک التنزیل آمده است که سبب نام‌گذاری مکه به این نام آن است که مکه، «سرّة الأرض» و قبله اهل القری است و دارای والاترین شأن و جایگاه در تمام شهرهاست که مردم به آن رو می‌کنند و پناه می‌آورند (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۵).

تبیان نیز سبب این تسمیه را این‌طور ذکر کرده که آن محل، اولین مکان اسکان در زمین است و جایی است که زمین از آنجا گسترده شده، پس همچون مادر و اصل برای سایر اماکن به شمار می‌آید (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۰۱). اما واژه «الأمّی» که دو بار در قرآن و در سوره اعراف آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ آمده است، نیز از نظر مفسران به معنای کسی که توانایی خواندن و نوشتن ندارد

ذکر شده است. شیخ طوسی این واژه را منسوب به "الأمه" می‌داند، به این معنی که این فرد همانند کنیزان است که اجازه نوشتن نداشتند. برخی نیز منسوب به "الأم" می‌دانند، به این معنی که مانند زمان ولادتش توانایی نوشتن ندارد.

صاحب تبیان از امام باقر(ع) نقل کرده که این کلمه منسوب به مکه که ام القری است می‌باشد. برخی دیگر نیز واژه را منسوب به عرب می‌دانند که مهارت نوشتن نداشتند (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۹۹). جمع این واژه که در هر دو حالت آن یعنی "أمیون" و "أمیین" در قرآن کریم وجود دارد در آیات به معانی مختلفی آمده است. به عنوان مثال "أمیون" در آیه ۷۸ سوره بقره به قوم یهود تعبیر شده است. شیخ طوسی در تبیان به نقل از اکثر مفسران می‌گوید که یهود را به این نام نامیدند؛ زیرا که در خواندن و نوشتن مهارت نداشتند، سپس وجوه نسبت آن را مطرح می‌کند. وی همچنین از ابن عباس روایت می‌کند که "أمیین" قومی بودند که رسول و فرستاده خدای عزوجل و کتابی که نازل کرده را تصدیق نکردند، بلکه خودشان به دست خود کتابی نوشتند و به مردم نادان گفتند که از طرف خداست (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۸). مقاتل بن سلیمان منظور از "أمیین" در آیه ۷۵ سوره آل عمران و آیه ۲ سوره جمعه را "عرب" می‌داند (۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۸۵)؛ یعنی کسانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴).

۳-۴. شبکه مشتقات صرفی واژه «الأم»

واژه "أم" و مشتقات آن ۴۱ بار در قرآن کریم با چند ساختار حضور دارند: ساختار مفرد آن که همه به صورت معرفه هستند، به تعداد ۲۶ بار تکرار شده‌اند. از این تعداد، ۱۷ بار در معنای اصلی واژه یعنی مادر به کار رفته‌اند و نه مرتبه به حالت «فراجنسیتی» یعنی خارج از مفهوم اصلی خود و با معنای تعمیم یافته در قرآن ظاهر شده است. حالت مثنی از این واژه در قرآن کریم موجود نیست، ولی جمع سالم آن ۱۱ بار در آیات به چشم می‌خورد.

لازم به ذکر است که از این کلمه، اسم منسوب نیز در قرآن وجود دارد که ساختار مفرد آن ۲ بار و هر دو در سوره اعراف ذکر شده‌اند و ساختار جمع مذکر سالم آن مجموعاً ۴ بار، هم در حالت رفعی و هم در حالت نصبی - جری در قرآن کریم دیده می‌شوند. این واژه به طور کلی ۱۱ بار از معنای اصلی خود خارج شده و به معانی دیگری تعمیم یافته است. نکته قابل تأمل در مورد کلمه "الأم" این است که واژه "والده" که با این کلمه هم‌معنی و مترادف ظاهری باشد ذکر شده است، که تفاوت این دو کلمه پس از بررسی و تحلیل هر دو واژه مطرح خواهد شد.

۳-۵. شبکه روابط معنائی واژه «الأمّ»

در این بخش از پژوهش به بررسی روابط میان واژه اصلی یعنی «الأمّ» و سایر کلمات می‌پردازیم.

الف) هم‌نشین‌ها: هم‌نشین‌های هر یک از دو واژه در آیات مورد پژوهش عبارتند از:

أمّ: أولاد، نساء، أبویه، ولد، أبواه، إخوة، المسيح بن مریم، ومن فی الأرض جمعاً، أخیه، أویه، أبوک.
 أمّهات: بنائکم، أحوالکم، عماتکم، خالاتکم، بنات الأخ، بنات الأخت، أمّهاتکم اللّاتی
 أرضعنکم، أحوالکم من الرضاعة، أمّهات نسائکم، ربائکم اللّاتی فی حُجورکم من نسائکم اللّاتی دخلن
 بهنّ، حلائل أبنائکم الذین من أصلابکم / آبائکم، إخوانکم، أحوالکم، أعمامکم، عماتکم، أحوالکم،
 خالاتکم، ما ملکتم مفاخه، صدیقکم.

ب) تقابل معنائی: تنها واژه‌ای که نسبت به واژه «الأمّ» و جمع آن در آیات ملاحظه شده است کلمه «أب» و جمع آن «آباء» می‌باشد.

ج) شمول معنائی: مفرداتی که نسبت به واژه «الأمّ» شمول معنائی دارند را می‌توان در دو دسته تقسیم نمود:

۱) در آیات مربوط به واژه: أبویه (أبواه)، نساء، آباء، من فی الأرض جمعاً، والديه (والدیک-والدی)، الانسان، مسلمین، اولوالأرحام، المؤمنین، المهاجرین.

۲) در سایر آیات قرآن: أنثی، المرأة، بشر، القربی و تعدادی کلمات دیگر.

در نهایت از بررسی مجموع حضور واژه "أمّ" و مشتقات آن در قرآن کریم، و توجه به معنا و مفهوم آن‌ها در سه مَقَسَم معین شده مؤنث نشان دار، بی‌نشان و جایگاه اجتماعی، محتوای جدول ذیل نتیجه می‌شود:

واژه	مؤنث نشان دار (مادر زیستی)	مؤنث بی‌نشان (فراجنسیتی)	اشاره به جایگاه اجتماعی مادر	بسامد کل
أمّ	۱۱	۹	۱۰	۳۰
أمّهات	۴	۰	۷	۱۱
أمیون - أمیین	۰	۴	۰	۴
جمع کل	۱۵	۱۳	۱۷	۴۵

بررسی آمار حضور واژه در قرآن کریم و تدقیق معنائی آن در جدول فوق نشان می‌دهد که این کلمه ۱۵ بار در جایگاه «مؤنث نشان دار» و به‌عنوان «مادر زیستی»، ۱۳ بار در جایگاه «مؤنث

بی‌نشان» و فراجنسیتی، و ۱۷ مرتبه در نقش اجتماعی خود به‌کاررفته است. لازم به ذکر است که در برخی آیات، واژه با دو جایگاه حضور یافته است که بدین ترتیب جمع کل آمار، عدد ۴۵ را نشان می‌دهد که از بسامد کل واژه (یعنی ۱۴ بار) بیشتر است.

۳-۶. نقد و بررسی یافته‌ها از واژه «الأم»

چند نکته از بررسی آیات فوق به دست می‌آید:

۱. کلمه "أم" نیز زیرمجموعه واژگان مؤنث نشان دار، مؤنث بی‌نشان و کلمات «فراجنسیتی» می‌باشد و می‌تواند هم‌زمان در دو جایگاه زیستی و اجتماعی نیز قرار بگیرد.
۲. از مجموع آیات به‌کاررفته برای این واژه، چهار دسته آیه وجود دارند که بر مفهوم مادر زیستی اشاره می‌کنند:

الف) دسته اول آیات مربوط به برخی پیامبران مانند حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) است که در قرآن به زندگی زیستی آنان اشاره شده است (مانند: قصص: ۷ و ۱۰، طه: ۳۸ و ۴۰، مائده: ۱۱۶).

ب) دسته دوم آیاتی است که در آن‌ها شواهد و قرائنی از وضعیت‌های مختلف یک مادر به چشم می‌خورد، مانند آیه ۱۴ سوره لقمان که پس از ذکر واژه "والدین"، به واژه "أم" و نه "والده" اشاره نموده و بعد از آن به موضوعات "حمل" و "فصال" اشاره نموده است. همین روال در آیه ۱۵ سوره احقاف نیز وجود دارد و علاوه بر کلمات مذکور، واژه "وضع" نیز اضافه شده است.

ج) در دسته سوم آیات، موضوعات و مفاهیم نسبت‌های خویشاوندی مثل موضوع ارث خانوادگی دیده می‌شوند، مانند آیه ۱۱ سوره نساء، با حضور واژه‌هایی مانند: «أولاد، أبویه، ولد، أبواه، إخوة، أبواکم و أبناءکم» که دال بر روابط خویشاوندی است در کنار واژه "أم" که دو بار تکرار شده، و مانند آیه ۶۱ سوره نور که واژه "أمهات" هم‌نشین یا جانشین مفاهیم خویشاوندی مانند: «آباء، إخوان، أخوات، أعمام، عمات، أخوال و خالات» شده است. و نیز آیاتی که واژه "ابن أم" در آن‌ها به‌کاررفته است، مانند آیه ۱۵۰ سوره اعراف و آیه ۹۴ سوره طه.

د) آیات دسته چهارم با ذکر واژه "بطون" در کنار واژه "أمهات"، مستقیماً به این موضوع یعنی مادر زیستی دلالت دارد (مانند: نحل: ۷۸، زمر: ۶، نجم: ۳۲).

۳. واژه "أم" در قرآن برای مادران رضاعی یک بار و با ذکر قید «اللاتی أرضعنکم» به کار رفته است (نساء: ۲۳). هم‌چنین برای خواهر رضاعی نیز در همان سوره و آیه، قید «أخواتکم من الرضاعة» آمده است.

۴. بررسی آیاتی که در آنها واژگان: "الأمی"، "الأم الکتاب"، "الأم الثری"، "الأمیون" و "الأمیین" به کار رفته است و هم‌چنین دو آیه ﴿فَأُمَّهُ هَٰوِيَةٌ﴾ (قارعه: ۹) و ﴿حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا...﴾ (قصص: ۵۹) نشان می‌دهد که این واژه گاهی از معنای اصلی خود خارج می‌شود.

با توجه به آیات مذکور، از تجزیه واژه "أم" به اجزاء تشکیل دهنده آن، مؤلفه‌های معنایی زیر نتیجه می‌شود: أم = انسان + زنده + مؤنث + بالغ + متأهل + جایگاه زیستی + جایگاه اجتماعی + مفهوم فراجنسیتی.

۴. بررسی واژه «الوالدة» در قرآن کریم

۴-۱ مشتقات و بسامد واژه

این واژه و مشتقاتش ۴ بار در قرآن کریم تکرار شده است. توضیحات مربوط به این جدول مشابه همان مطالبی است که پیش از این در مورد واژه «الأم» ذکر شد:

مشتقات واژه	آدرس	آیه	مؤنث نشان‌دار (مادر زیستی)	اشاره به جایگاه اجتماعی	مؤنث بی‌نشان (واژه فراجنسیتی)
الوالدات/ والده	بقره: ۲۳۳	وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُبْرِئَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِضَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	+	-	-
والدتك	مائده: ۱۱۰	إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى الْوَالِدَاتِ إِذْ أُتِدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ	+	-	-

			بِأَذْنِي فَتَنُحُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِي وَتُزِيءُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِأَذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ		
	-	-	وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَمَنْ يَجْعَلِي جَبَّارًا شَقِيًّا	۳۲	والدتی
	-	-			

۲-۴. مفهوم لغوی واژه «الوالدة»

صاحب معجم «العین» در کتاب خود تنها این نکته را ذکر کرده که هر صفتی که مذکر در آن مشترک نباشد و مخصوص مؤنث باشد، برای مؤنث، بدون‌های تأنیث می‌آید، و شاهد آن را بیت شعری نقل کرده است که "والد" در آن به قرینه لفظی موجود در بیت، به معنی "والده" است. همچنین ذیل ماده "ولد"، عبارت «شاه‌والد» را ذکر نموده و والد را به معنی "حامل" گرفته است. وی در توضیح کلمه "الولادة" گفته است: «وضع الوالدة ولدها» یعنی بچه به دنیا آوردن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۷۱).

مؤلف «مفردات الفاظ قرآن» ذیل ماده "أم" آورده است که "أم" همان "الوالدة" یعنی مادر بدون واسطه کودک است که او را به دنیا آورده، در واقع أم هم مادر بدون واسطه فرزند است، هم مادر بزرگ و مادر مادر بزرگ تا أم همه انسان‌ها یعنی حضرت حواء (س) که با چند واسطه مادر هر فرد به حساب می‌آید. وی در توضیحات مربوط به واژه "ولد"، نیز "الأم" را "والده" تعبیر کرده است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۳).

در کتاب «الفروق فی اللغة» ذیل موضوع فرق بین "الابن" و "الولد" آمده است که "الولد"، ولادت را اقتضا می‌کند که در "ابن" ضرورت نیست. همچنین "الابن"، "الأب" را اقتضا می‌کند و "الولد"، "الوالد" را و انسان فقط وقتی خودش دارای فرزند شود، "والد" نامیده می‌شود که از این بابت مثل "الأب" نیست؛ چراکه برای کنیه گذاری افراد از واژه "أب" استفاده می‌شود و "أبوفلان" می‌گویند، در حالی که هنوز دارای فرزند نشده است. این امر در مورد واژه "الوالد" صدق نمی‌کند و به کسی که فرزند ندارد "والد فلان" می‌گویند، مگر در مورد "الشاه" که قبل از زایمان و در هنگام بارداریش به آن "شاه‌والد" می‌گویند (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۶).

۳-۴. مفهوم اصطلاحی واژه «الوالدة»

در تفسیر «مدارک التنزیل وحقائق التأویل» نکته ای در مورد عبارت «المولود له» در آیه ۲۳۳ سوره بقره وجود دارد که قابل تأمل است. این مفسر در این باره می‌گوید که ضمیر "هـ" در "له" به "ال" در ابتدای "المولود" برمی‌گردد که به معنای "الذی" است و تقدیر آن چنین می‌شود: «و

علی الذی یولد له» که همان والد است. این ضمیر مانند ضمیر "هم" در «غیر المغضوب علیهم» فاعل و محلاً مرفوع است. وی در ادامه سبب اینکه به جای "والد"، «المولود له» ذکر شده را این گونه توضیح می‌دهد که باید توجه شود به این موضوع که منظور از این واژه کسانی هستند که الوالدات فقط برای آنان فرزند به دنیا می‌آورند، و نه هر کسی که در جایگاه پدری باشد و این یعنی که فرزندان متعلق به پدرانشان هستند و نسبتشان با پدرانشان است نه با مادرانشان و در نتیجه وظیفه تأمین رزق و پوشش مادران برعهده آنان است.

شاهد این مطلب را آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَ احْشُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ (لقمان: ۳۳)، مطرح نموده که پدر با لفظ "والد" ذکر شده است و در آن آیه موضوع و ظایف پدری مطرح نیست (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۴). در بقیه تفاسیر مطلبی در مورد واژه مورد نظر بیان نشده است.

نکته‌ای که در بررسی تفاسیر مختلف در مورد آیه ۲۳۳ سوره بقره جلب توجه نموده، این است که در مورد موضوع این آیه، مفسران گاهی با هم اتفاق نظر نداشته و برخی موضوع را به دلیل آیه قبل، حکم رضاعه کودک هنگام طلاق والدین و وظیفه رسیدگی پدر به مادر کودک در دوران شیردهی مطرح کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۹۷؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۶).

عده‌ای نیز موضوع را به صورت کلی و در حالت عمومی بیان کرده‌اند (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۴). همچنین در مورد ترجمه فعل "لاتضار" نیز وحدت نظر وجود ندارد؛ برخی زیان دیدن مادر از طرف همسر به واسطه فرزند را مطرح کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۹۸) و عده‌ای صدمه رساندن مادر به فرزند را نیز قائل شده‌اند (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۵). این اختلاف آراء در تفسیر آیه و تعیین حکم فقهی مطرح شده در آن ممکن است در عمل نیز به اختلاف عملکرد مخاطبین آیه منجر شود.

۴-۴. شبکه مشتقات صرفی واژه «الوالده»

واژه "والده" به طور کلی چهار بار در آیات قرآن ذکر شده است. سه مرتبه به صورت مفرد و یک بار به صورت جمع سالم و معرفه به "ال". وجه مفرد این واژه یکبار به طور نکره و دوبار به صورت معرفه حضور دارد که هر دو بار در مورد حضرت مریم (س) می‌باشد. این واژه مشتق و اسم فاعل مؤنث از ماده "ولد" بوده که چند ساختار فعلی و اسم مشتق (ولد، اولاد، مولود، ولدان، والد، والدین و ...) از آن در قرآن به چشم می‌خورد. در مورد ساختار فعلی ماده "ولد" نکته ای قابل

توجه وجود دارد؛ حضور و کاربرد این فعل در مورد ذات مقدس خالق و برای مخلوق در قرآن متفاوت است؛ بدین صورت که در مورد خدا در مجموع ۱۶ آیه، سه نوع ساختار وجود دارد.

انواع این ساختار در مورد خداوند سبحان عبارتند از:

۱. تعبیر «اتَّخَذَ وَلَدًا»، که به تعداد ۱۲ بار در قرآن آمده است.

۲. وجه فعلی از ماده "ولد"، که دو بار ذکر شده است.

۳. ساختار (کان + ل + ولد)، که آن هم دوبار به چشم می‌خورد.

اما در مورد فرزند دار شدن مخلوق که عمدتاً انسان است بیشتر از فعل "ولد" استفاده شده است. در این زمینه در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» آمده که «اتَّخَذَ الْوَلَدَ» همان «التَّبْنَى» است، به این معنی که انسانی یا ملائکه‌ای یا پیامبری را به منزله فرزند برای خداوند سبحان قرار دهند و این امر، نشانه فقر و نیاز و ضعف در وجود است که لازم است با این تبنی تقویت شود. قطعاً این موضوع در مقام اولوهیت خداوند، محال است و لذا فرموده است که ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ﴾ (یونس: ۶۸، لقمان: ۲۶، حج: ۶۴، محمد: ۳۸، ممتحنه: ۶).

ذات متعال او علی‌الاطلاق و از همه جهات، یگانه است. لازمه فرزند آوری، ترکیب و تجزیه و محدودیت و احتیاج و فقر است، همان‌طور که خروج از چیزی عبارت است از تقسیم به اجزاء و تحقق تعدد و انفصال بین اجزاء و محدودیت در آنها که با توحید پروردگار در تعارض است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص ۲۲۱).

در قرآن کریم واژه "أم" از نظر ظاهری با واژه "والده" مترادف به نظر می‌رسد. دکتر احمد مختار عمر رابطه بین این دو واژه را «شبه ترادف» می‌نامد و این رابطه را این‌طور معرفی می‌کند که این نوع از ارتباط بر کلماتی اطلاق می‌شود که هر فردی در زبان خود آنها را در ظاهر مترادف یا مطابق می‌بیند، در حالی که در کاربرد قرآنی چنین نیست؛ به‌صورتی که هیچ‌یک نمی‌توانند در سیاق واحد به‌جای یکدیگر به کار روند مگر با مجوز. تعداد این کلمات در قرآن کم هم نیست (مختار عمر، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۳).

وی سپس به موارد حضور این دو کلمه در قرآن اشاره کرده، بیان می‌دارد که آیات چهارگانه‌ای که لفظ "الوالده" به‌صورت مفرد و جمع آمده با ویژگی مادر و والدیت، بارداری و زایمان که بالاترین و محکم‌ترین درجه قرابت است، در ارتباط می‌باشد و بنابراین احکام خاصی مثل برّ و شایستگی شیردهی بر آن مترتب می‌گردد. اما واژه "أم" در قرآن به موضوعات مختلفی دلالت دارد، از جمله:

▪ قرابت نسب: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ﴾ (القصص: ۷)،

- ویژگی مادری قبل از مرحله فرزند دار شدن: ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ﴾ (لقمان: ۱۴) و ﴿وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ (النجم: ۳۲)،
- اتصال رضاعی و نسبت از طریق شیرخوردن: ﴿وَأُمَّهَاتِكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ﴾ (النساء: ۲۳)،
- وصف زوجات پیامبر(ص) علی سبیل التشبیه: ﴿النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ (الأحزاب: ۶).

این تنوع کاربرد هر دو لفظ بیانگر عدم تطابق معنایی این دو واژه است، هر چند که از نظر دلالت معنایی دارای تقارب و نزدیکی باشند. چنین ارتباطی را بین کلمات «شبه مترادف» می‌نامند (مختار عمر، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۶-۱۱۷).

اما دکتر محمد داود مؤلف کتاب «معجم الفروق الدلالية في القرآن الكريم» معتقد است که بین این دو لفظ، تقارب معنایی وجود دارد؛ چراکه هر دو در معنای دلالت بر اصل و منشأ مشترک هستند. همچنین دو لفظ مذکور دارای اختلاف معنی نیز هستند به دلیل آن که واژه "أم"، معنای عام‌تری نسبت به "والدة" دارد، به طوری که شامل مفاهیم «الوالدة، المرضعة، الحامل، الأصل و أزواج النبی(ص)» می‌شود. اما واژه "الوالدة" دلالت خاص و محدودتری نسبت به "الأم" دارد که در قرآن منحصر به اوصاف مادری است که فرزند به دنیا آورده و دارای احکام شرعی است (محمد داود، ۲۰۰۸م، ص ۷۹-۸۰).

۴-۵. شبکه روابط معنایی واژه «الوالدة»

در این بخش از پژوهش به بررسی روابط میان واژه اصلی یعنی «الوالدة» و سایر کلمات می‌پردازیم.

الف) هم‌نشین‌ها: هم‌نشین موجود در آیات مورد بحث برای واژه مدنظر فقط در عبارت «ادُّكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ» مشاهده شده است.

ب) تقابل معنایی: همچنین کلمه‌ای که در آیات مورد پژوهش به‌عنوان تقابل معنایی وجود دارد «المولود له» می‌باشد.

ج) شمول معنایی: مفرداتی که نسبت به واژه «الوالدة» شمول معنایی دارند را می‌توان در دو دسته تقسیم نمود:

۱) در آیات مربوط به واژه: نفس

۲) در سایر آیات قرآن: الأم، نساء، انثی، انسان، بشر، الوالدین و کلمات دیگر.

در نهایت بررسی حضور این واژه و مشتقات آن در جدول تجزیه واژه به فاکتورهای مؤنث نشان دار، بی‌نشان و جایگاه اجتماعی نشان می‌دهد که تمام موارد کاربرد این واژه، به‌صورت مؤنث نشان‌دار و به معنای اصلی خود یعنی "مادرزیستی" می‌باشد.

۴-۶. نقد و بررسی یافته‌ها از واژه «الوالده»

با توجه به مطالب ذکر شده و با در نظر گرفتن معنای ریشه "ولد" که به معنای خروج و بیرون آمدن از چیزی است، این نکات حاصل شده است:

۱. واژه "الوالده"، مقطعی از دوران زندگی "الأم" می‌باشد، به این معنی که هنگامی که الأم به مرحله «وضع» طفل یعنی زایمان می‌رسد واژه "الوالده" به او اطلاق می‌گردد. همچنین او تا پایان دوران «رضاعه» یعنی شیردهی و سپس مرحله "فصال" یعنی از شیرگرفتن کودک، "الوالده" به شمار می‌آید. در واقع، واژه "الأم" معنای عام‌تری نسبت به "والده" دارد، به‌طوری که شامل مفاهیم بیشتری مثل: «حمل، وضع، رضاعه، فصال، الأصل و أزواج النبی(ص)» نسبت به آن می‌شود. اما واژه "الوالده" دلالت خاص و محدودتری نسبت به "الأم" دارد که در قرآن منحصر به اوصاف مادری یعنی «حمل، وضع و رضاعه» است؛ یعنی کسی که باردار است و سپس فرزند به دنیا آورده، و دارای احکام شرعی خاص در این زمینه است.

البته "أم" هم می‌تواند مادر شیرده فرزند خود باشد و هم مادر رضاعی کودک دیگری، ولی "والده" فقط به مادری که به فرزند خود شیر می‌دهد اطلاق می‌شود. در واقع تعبیر «أم رضاعی» صحیح بوده ولی «الوالده رضاعی» درست نیست. اگر مادر به کودک دیگری شیر دهد، "المرضعة" خواهد بود که در سوره حج به آن اشاره شده است: ﴿يَوْمَ تَرُؤُهَا تَدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ (الحج: ۲).

۲. بررسی و مقایسه آیات مربوط به حضور واژه‌های "الوالدان - الوالدین" با آیات مربوط به واژه‌های "ابوان - ابوین" نشان می‌دهد که والد بودن و فرزند دار شدن انسان جایگاه والائی دارد، به‌طوری که در ۱۹ آیه‌ی مربوط به کلمات "والدان-والدین"، غالب آیات به توصیه‌های اخلاقی، رفتار مناسب و احسان به والدین و همچنین طلب مغفرت و آمرزش برای آنان اشاره دارد، در حالی که در هفت آیه‌ی مربوط به "ابوان-ابوین"، این دستورات و توصیه‌ها دیده نمی‌شود و غالباً آیات، حاوی گزارش‌های تاریخی است. در این زمینه این نکته نیز قابل تأمل است که در مورد مادر حضرت عیسی(ع)، هم واژه "أم" به‌کاررفته و هم واژه "والده"، در حالی که برای حضرت موسی(ع) فقط واژه "أم" به‌کاررفته است و جایگاه حضرت مریم(س) به‌عنوان بانوی پاکیزه و برگزیده از بین زنان عصر خویش نسبت به مادر حضرت موسی(ع) می‌تواند

شاهدی بر این برداشت باشد: ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۴۲).

۳. نکته دیگری که در مقایسه "والده" و "أم" به نظر می‌رسد این است که در روابط خویشاوندی غالباً واژه "أم" به کار رفته است، چون مدت زمان "أم" بودن یک انسان مؤنث نسبت به زمان "الوالده" بودنش بیشتر است و در مواضعی که حالت عاطفی و روابط نزدیک خانوادگی مطرح است واژه "أم" کاربرد داشته است.

به عنوان مثال در آیه مربوط به فرار آدمیان از یکدیگر در بیان احوال روز قیامت که انسان حتی از نزدیک‌ترین افراد خانواده خود نیز می‌گریزد، از این واژه استفاده شده است: ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ﴾ (عبس: ۳۴-۳۵)، و یا آنجا که برادر حضرت موسی (ع) هنگام بازخواست حضرت برای اتفاقاتی که در غیابشان افتاده، در مقابل ایشان طلب رحم و عطف می‌کند وی را «ابن أم» خطاب می‌نماید: ﴿قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَيْنَ تَرْتُوبَ قَوْلِي﴾ (طه: ۹۴) و ﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوكُمُوكَاذُوا يَفْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِثْ بِي الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (الأعراف: ۱۵۰).

۴. در مورد شبکه تحریم نکاح نیز که در آیه ۲۳ سوره نساء مطرح شده، واژه "الوالده" و جمع آن به کار نرفته است.

نهایت آنکه در تجزیه واژه به مؤلفه‌های معنایی باید گفت با توجه به آیات مذکور، از تجزیه واژه "والده" به اجزاء تشکیل دهنده آن، موارد زیر نتیجه می‌شود:

والده = انسان + زنده + مؤنث + بالغ + متأهل + مادر زیستی - جایگاه اجتماعی - مفهوم

فراجنسیتی.

جمع‌بندی و تحلیل

پژوهش‌های فوق را می‌توان در موارد ذیل جمع‌بندی نمود:

- هر یک از واژگان مورد مطالعه علاوه بر معنای معجمی خود، دارای جایگاه و نقش خاص جنسیتی یا «زیستی»، جایگاه فراجنسیتی و جایگاه «اجتماعی» در میان کلمات قرآن هستند.
- کلمه "أم" نیز زیرمجموعه واژگان "مؤنث نشان دار" و "مؤنث بی‌نشان" می‌باشد، به این معنی که هم در معنای اصلی خود یعنی مادر زیستی به کار رفته و هم از معنای اصلی خود

به جایگاه مؤنث بی‌نشان خارج شده است، هم‌چنین این واژه دارای کارکرد اجتماعی نیز هست و به حضور مادر در خارج از محیط نظام خویشاوندی دلالت دارد.

• واژه "الأم" معنای عام‌تری نسبت به "والده" دارد، به‌طوری که شامل مفاهیم بیشتری مثل: «حمل، وضع، رضاعه، فصال، الأصل و أزواج النبی(ص)» نسبت به آن می‌شود. اما واژه "الوالده" در قرآن کریم دلالت خاص و محدودتری نسبت به "الأم" دارد که منحصر به اوصاف مادری یعنی «حمل، وضع و رضاعه» است؛ یعنی کسی که باردار بوده و سپس فرزند به دنیا آورده، و دارای احکام شرعی خاص در این زمینه شده است. در واقع، واژه "الوالده"، مقطعی از دوران زندگی "الأم" می‌باشد و هر والده ای، ام است ولی هر امی، الوالده نیست.

• این دو واژه دارای خصوصیت «زمان‌مندی» بوده و هر یک دوره‌ای از تقویم حیات انسان مؤنث را دربر می‌گیرند. ویژگی زمان‌مندی از خصوصیات مفردات نظام خویشاوندی در قرآن است و در واژگان دیگری از این مجموعه مانند «الفتیات» و «ابنت» نیز قابل مطالعه است.

• در مواردی که واژه "أم" بدون قید ذکر شده است مفهوم واژه بر مادر اصلی انسان دلالت دارد و برای مادر رضاعی نیاز به ذکر قرینه و قید می‌باشد.

• واژه "أم" هم به مادری که فرزند خود را به دنیا آورده می‌گویند که بی‌واسطه مادر فرزند خویش است و هم به مادر بزرگ و مادرِ مادر بزرگ و مادرهایشان تا حضرت حواء(س) که با واسطه، مادر به شمار می‌آیند.

• واژه "أم" هم در معنای مادر زیستی و هم در معنای مادر رضاعی از جمله مجموعه واژگان مربوط به شبکه تحریم نکاح و شبکه محارم انسان و نظام خویشاوندی می‌باشد که در آیه ۲۳ سوره نساء به این شبکه و افراد زیرمجموعه آن اشاره شده است.

• والد بودن و فرزند دار شدن انسان جایگاه والائی دارد، به‌طوری که در ۱۹ آیه مربوط به کلمات "والدان-والدین"، غالب آیات به توصیه‌های اخلاقی، رفتار مناسب و احسان به والدین و هم‌چنین طلب مغفرت و آمرزش برای آنان دارد، در حالی که در ۷ آیه مربوط به "ابوان-ابوین"، این دستورات و توصیه‌ها دیده نمی‌شود و غالباً آیات، حاوی گزارش‌های تاریخی است.

• کلمه «ابوان»، معنای عام‌تری نسبت به والدین دارد و بیشتر ناظر به نقش‌های اجتماعی است، در حالی که «والدین» به نقش زیستی پدر و مادر اشاره دارد.

• در مقایسه "والده" و "أم" به نظر می‌رسد این است که در روابط خویشاوندی غالباً واژه "أم" به‌کاررفته است، چون مدت زمان "أم" بودن یک انسان مؤنث نسبت به زمان "الوالده" بودنش بیشتر است.

• در موضعی که حالت عاطفی و روابط نزدیک خانوادگی مطرح است واژه "أم" کاربرد داشته است.

نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه‌گیری از این پژوهش‌ها و در پاسخ به سؤالات مطرح شده در مقاله می‌توان اعلام کرد که:

۱. تدقیق معنایی حاصل از به‌کارگیری دانش معناشناسی، نقاط اشتراک و افتراق موجود در واژگان مترادف را ظاهر می‌سازد به‌طوری که از مقایسه حضور این دو واژه در قرآن کریم معلوم گردید که هر دو کلمه در موارد انسان بودن، زنده بوده، مؤنث بودن، بالغ بودن، متأهل بودن و جایگاه زیستی با یکدیگر اشتراک دارند ولی در موارد جایگاه اجتماعی و داشتن مفهوم فراجنسیتی با هم تفاوت دارند.

۲. با کمک از نگرش «تجزیه واژه به مؤلفه‌های معنایی» که از رویکردهای دانش معناشناسی ساختگرا می‌باشد، می‌توان تعریف کامل‌تر و وسیع‌تری به نسبت تعاریف معجمی برای واژگان ارائه نمود.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- امینی، فریده؛ فتاحی زاده، فتحیه؛ افراشی، آریتا (۱۳۹۷ش)، «مفهوم‌سازی اعمال نیک در قرآن کریم با رویکردی شناختی»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۷، شماره ۱.
- حسینی، اعظم السادات؛ مطیع، مهدی (۱۳۹۲ش)، «پیشنهاد الگویی بر متناسب سازی روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی»، کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم، سال ۲، شماره ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
- صفوی، کوروش، (۱۳۹۱ش)، نوشته‌های پراکنده دفتر اول معنی‌شناسی، تهران: نشر علمی.
- صفوی، کوروش، (۱۳۹۲ش)، «کدام معنی؟»، مجله پژوهشی علم زبان، سال ۱، شماره ۱.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: هجرت.

کریمی دوستان، غلامحسین؛ آزادفر، رؤیا، (۱۳۹۲ش)، فرهنگ تو صیفی معنی شنا سی، تهران: باور عدالت.

گیرتس، دیرک، (۱۳۹۳ش)، نظریه‌های معنی شنا سی واژگانی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر علمی.

لایز، جان، (۱۳۹۱ش)، درآمدی بر معناشناسی زبان، ترجمه حسین واله، تهران: نشر علمی. محمد داود، محمد، (۲۰۰۸م)، معجم الفروق الدلالية فی القرآن الکریم، القاهرة: دارغریب للطباعة والنشر والتوزیع.

مختار عمر، احمد، (۱۴۲۱ق)، دراسات لغویة فی القرآن الکریم وقراءاته، القاهرة: عالم الکتب. مختار عمر، احمد، (۱۴۳۰ق)، علم الدلالة، قاهره: عالم الکتب.

مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نسفی، عبدالله بن احمد، (۱۴۱۶ق)، مدارک التنزیل و حقایق التأویل، بیروت: دار النفائس.